

ضرورت بازاندیشی در معنای «فناوری آموزشی» همگام با سند تحول بنیادین

اگر فناوری را کاربرد یافته‌های علم در عمل معنا کنیم، آنگاه فناوری آموزشی استفاده از دستاوردهای علمی همچون تربیتی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش، ارتباطات و فناوری اطلاعات در حل مسائل آموزشی و پرورشی قابل فهم خواهد شد. این فهم، به روشنی با آنچه به شکل معمول و سنتی از فناوری آموزشی بیان و معنا می‌شود، متفاوت است. در برداشت معمول، حتی اگر در عرصه نظروتری هم قائل به آن نباشیم، در عمل فناوری آموزشی به ابزارها و وسایل، ولو نوین و پیشرفته، فروکاسته شده است. در این دیدگاه، فناوری آموزشی بیش از اینکه روی یادگیرنده و نحوه یادگیری وی متمرکز شود، عمده تمرکز خود را بر ابزارهای جدید و به کارگیری آن‌ها در آموزش قرار می‌دهد. این نگاه به فناوری آموزشی، به لحاظ تاریخی و سیر تطور ادبیات علمی این دانش تخصصی، دست کم متعلق به یک سده پیش از این است! یعنی دوره‌ای که فناوری آموزشی برابر بود با خدمات سمعی و بصری (دیداری - شنیداری) در نظام‌های آموزشی.

از آن زمان تاکنون دانش فناوری آموزشی تحولات زیادی به خود دیده و اکنون در جایگاه «حل مسئله» ایستاده است. بدین معنا، امروزه از فناوری آموزشی، حل کردن مسئله‌های فرایند یاددهی - یادگیری به کمک یافته‌های علوم گوناگون و مرتبط با تعلیم و تربیت انتظار می‌رود. این انتظار از طریق برداشتن تمرکز از روی ابزارها و فناوری‌ها (به معنای ابزار) و انتقال آن به یادگیرنده و نحوه یادگیری وی تغییر یافته است. به طور طبیعی، انتظار «حل مسئله» کردن از فناوری آموزشی با برداشت فروکاسته شده آن به ابزارها و وسایل اصلاً قابل جمع نیست. برای تحقق رسالت «حل مسئله»، فناوری آموزشی از مرحله طراحی تا ارزشیابی نظام‌های آموزشی نقش و جایگاه دارد، به شکلی که چنانچه روزی پریزهای برق مسدود یا ابزارهای فناورانه از دسترس خارج شود، فناوری آموزشی همچنان وجود دارد و ما نیز همواره به آن نیازمند خواهیم بود؛ زیرا فناوری آموزشی به همان گستردگی آموزش و پرورش است. در این برداشت از فناوری آموزشی، کل فرایند تدریس و یادگیری به صورت یک نظام واحد آموزشی مورد توجه قرار گرفته است که محور اصلی آن را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند. براساس این طرز تفکر، هدف‌های آموزشی تعیین می‌شوند، محتوای درسی و تجربه‌های آموزشی تنظیم می‌شود، توانایی فردی دانش‌آموزان مشخص می‌شود، برنامه‌های آموزشی به طور منطقی به اجرا درمی‌آیند و از کل فرایند آموزشی و یادگیری ارزشیابی به عمل می‌آید.

آنچه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور درباره «فناوری آموزشی و چپستی و رسالت آن» منعکس شده است، تا حد زیادی مطابق است با معنای جامعی که از فناوری آموزشی در ادبیات علمی این دانش مورد نظر است. بخشی از اهداف کلان سند تحول بنیادین عبارت است از:

- ✓ گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی.
- ✓ بهسازی و تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی.
- ✓ ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

بی‌شک، در تحقق هر یک از این هدف‌ها، فناوری آموزشی به دلیل داشتن جنبه‌ها و ظرفیت‌های متنوع، می‌تواند نقش جدی ایفا کند. برای تحقق عدالت آموزشی به‌عنوان یکی از آرمان‌های نظام تعلیم و تربیت کشور، برای ایجاد تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی به‌عنوان یک ضرورت، و برای ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت به‌عنوان امری ناگزیر، هم ظرفیت‌های سخت‌افزاری و ابزارگونه و هم به‌خصوص امکان‌های نرم‌افزاری و «حل مسئله» فناوری آموزشی می‌توانند تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز تحقق اهداف بالا باشند.

در بخش اهداف عملیاتی سند تحول، هدف عملیاتی ششم موضوع «تنوع‌بخشی به محیط‌های یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت رسمی عمومی» را مطرح و راهکارهایی هم برای آن بیان کرده است. اساساً طراحی محیط‌های یادگیری متناسب با نیازها، ویژگی‌ها و علاقه‌های دانش‌آموزان و با توجه به امکانات و ضرورت‌های بومی و فرهنگی، یکی از جنبه‌ها و حوزه‌های مهم در فناوری آموزشی است که در نگاه و فهم جدید و جامع از فناوری آموزشی متبلور است. در هدف عملیاتی دیگر دربارهٔ نظام تربیت معلم، یعنی هدف عملیاتی یازدهم، به «طراحی و ارتقای نظام تربیت حرفه‌ای معلمان»، تأکید شده است. تجربهٔ داخلی و تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد، در دوران معاصر، تربیت معلمان موفق بدون توجه و تسلط ایشان به موضوع فناوری آموزشی (آن هم با درک جامع و جدید و نه فقط درک ابزارگرایانه) دشوار و بلکه محال است. در دورانی که دانش‌آموزان آن «نسل دیجیتال» یا «بومیان دیجیتال» یا «نسل کلیک» نام گرفته‌اند، تربیت معلم باید و ناگزیر از مسیر تسلط ایشان به فناوری‌های آموزشی و درک صحیح آن‌ها از مفهوم جدید این حوزه از دانش تعلیم و تربیت می‌گذرد.

هدف عملیاتی هفدهم به‌طور مستقیم و مشخص مختص موضوع فناوری آموزشی است: «ارتقای کیفیت فرایند تعلیم و تربیت با تکیه بر استفادهٔ هوشمندانه از فناوری‌های نوین». و در راهکارهای عملیاتی این هدف مهم، اشاره‌هایی آمده است دربارهٔ ظرفیت فناوری‌های نوین در پر کردن شکاف دیجیتالی بین مناطق آموزشی، تولید محتوای الکترونیکی و الکترونیکی کردن کتاب‌های درسی، اصلاح و روزآوری روش‌های تعلیم و تربیت و در نهایت تأکید بر بهره‌وری از ظرفیت‌های آموزش‌های غیرحضور و مجازی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی معلمان و دانش‌آموزان و خانواده‌ها. این‌ها همه نشانی است از فهم درست و جامع از چیستی فناوری آموزشی و ظرفیت‌های آن برای تحقق اهداف مهم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و رفع کاستی و مشکلات نظام آموزشی و در یک کلام و متناسب با تعریف و فهم جدید از فناوری آموزشی، یعنی «حل مسئله».

با توجه به آنچه در ضرورت نو فهم‌گرایی از فناوری آموزشی و دلالت‌های هوشمندانهٔ این مهم در سند تحول بنیادین بیان شد، آنچه همکاران مجلهٔ فناوری آموزشی به آن می‌اندیشند و سعی در تحقق زمینه‌های آن دارند، عبارت‌است از «تعریف و تبیین جایگاه فناوری آموزشی در اسناد بالادستی، تبیین چگونگی تحقق اهداف، رسالت‌ها و آرمان‌های بیان شده در این اسناد و راهکارهای برون‌رفت از کاستی‌های موجود در نظام تعلیم و تربیت کشور به کمک فناوری آموزشی و در کنار سایر دانش‌های تخصصی حوزهٔ علوم تربیتی».

با احترام

دکتر مهدی واحدی